

کارکردهای پیرامتن در رمان نوجوان / این وبلاگ واگذار می‌شود اثر فرهاد

حسن زاده

فاطمه جعفری^۱

زهره اله دادی دستجردی^۲

چکیده

پیرامتنیت یکی از گونه‌های ترامتنیت ژرار ژنت است. ژنت، نظریه‌پرداز فرانسوی، با نظریه‌ی ترامتنیت، هر نوع ارتباط یک متن را با متن‌های دیگر، به صورت گسترده و ساختارمند بررسی کرد. در این نظریه، متن در پنج گونه‌ی پیرامتنیت، بینامتنیت، فرامتنیت، سرمتنیت و بیش‌متنیت بررسی می‌شود. این دسته‌بندی هرگونه رابطه‌ی یک متن با متنی غیر از خود را شامل می‌شود؛ روابط یک متن با عناصر پیرامونش، روابط براساس هم‌حضور، بر پایه‌ی انتقاد و تفسیر، روابط طولی و ژانری و روابط بر اساس برگرفتنی. در این میان عناصر پیرامتنی عبارت‌است از تمام عناصری که اگرچه جزئی از متن محسوب نمی‌شوند، در جای جای متن حضور دارند، آن را احاطه کرده‌اند و همراهی‌اش می‌کنند و در خوانش خواننده تأثیر می‌گذارند؛ عناصری چون: طرح جلد، نام نویسنده، ناشر، پوستره‌های تبلیغی و ... رمان نوجوان / این وبلاگ واگذار می‌شود ویژگی خاصی دارد و آن ارائه‌ی روایت در قالب یک وبلاگ داستان نویسی است. این ویژگی عناصر پیرامتنی مهمی به وجود آورده‌است؛ لذا نویسندگان مقاله در پی آنند تا با بررسی این عناصر، کارکردهای آن را مشخص نمایند. در ادامه مشخص خواهد شد عناصر پیرامتنی در این رمان گسترده به دلیل شیوه‌ی ویژه‌ی روایت این اثر، در تمام صفحات حضور دارد و به این ترتیب متن را همراهی و خواننده‌ی نوجوان را یاری و خوانش او را هدایت می‌کند.

کلیدواژه: این وبلاگ واگذار می‌شود، پیرامتنیت، ترامتنیت، ژرار ژنت، فرهاد حسن‌زاده.

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی jafari1857@gmail.com

^۲ استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی zohreallahdadidastjerdi@gmail.com

۱. مقدمه

در گذشته متن یک کتاب اهمیت داشت و عناصر بیرونی فقط ابزاری بود جهت ارائه متن. پیش از دوره جدید و پساساختارگرایی چیزی که مورد توجه ناقدان بود فقط متن بود و متن. متن واحد خودبسنده‌ای بود که بی نیاز از دنیای بیرون خود پنداشته می‌شد. با ظهور پساساختارگرایی ناقدان به بیرون متن نیز نظر افکندند و یکی از مصداق‌های این برون‌نگری توجه به عناصر پیرامونی یک روایت بود. عناصر پیرامونی یک متن است که موجب می‌شود کسانی که برای اولین بار یک کتاب را می‌بینند در همان لحظات نخست با توجه به ظاهر و صفحه جلد بتوانند اطلاعات مهمی را دریابند؛ مثلاً بدانند که کتاب متعلق به چه گروه سنی است. ژانر کتاب چیست، علمی - تخیلی یا واقع‌گرا، جنایی یا عاشقانه. آنچه موجب می‌شود خواننده این اطلاعات اساسی را در زمان کوتاهی دریابد، همان است که ژرار ژنت^۳ آن را "پیرامتنیت" نامید. پیرامتنیت^۴ یکی از گونه‌های در میان پنج گونه ترامتنی ژرار ژنت است، ژنت برای بررسی ارتباط یک متن با دیگر متن‌ها، نظریه ترامتنیت^۵ را مطرح کرد و برای بررسی همه جانبه متن آن را در پنج گونه، پیرامتنیت، بینامتنیت^۶، سرمتنیت^۷، فرامتنیت^۸ و بیش‌متنیت^۹ تقسیم‌بندی نمود. بینامتنیت عبارت است از هم‌حضور صریح، پنهان و یا ضمنی یک متن در متنی دیگر؛ سرمتنیت یک متن است با ژانر یا گونه متعلق به آن؛ فرامتنیت، هر نوع متنی است که به تفسیر، تشریح و نقد یک متن دیگر می‌پردازد و آن را تأیید یا انکار می‌کند؛ ارتباط بیش‌متنی براساس برگرفتگی

3 Gérard Genette

4 Paratextuality

5 Transtextuality

6 Intertextuality

7 Architextuality

8 Metatextuality

9 Hypertextuality

استوار است، به طوری که اگر پیش متن وجود نمی‌داشت متن جدید خلق نمی‌شد. گونه‌ای که در پژوهش حاضر مدّ نظر است، پیرامتنیت است. پیرامتنیت هرگونه عنصری را که در پیرامون یک روایت قرار دارد، بررسی می‌کند و جهت‌دهی و تأثیر این عناصر را در خوانش خواننده مورد کاوش قرار می‌دهد. از طرفی خوانش ادبیات کودک و نوجوان از این حیث اهمیت زیادی دارد؛ چرا که اغلب، آثار کودک و نوجوان در مقایسه با ادبیات بزرگسال با عناصر پیرامونی بیشتری عرضه می‌شود. از سویی نقش جهت‌دهی این عناصر نیز سهم پررنگ‌تری برای ادبیات مخاطبان کودک و نوجوان دارد؛ چراکه ادبیات کودک و نوجوان ممکن است علاوه بر اهداف هنری به دنبال رشد شخصیتی و ایجاد پویایی در مخاطب خود نیز باشد. انتقال میراث فرهنگی و ادبی به نسل‌های جوان‌تر یکی از این اهداف است که در این پژوهش مورد تأکید قرار گرفته است.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی متون ادبی را از حیث ترامتنیت بررسی کرده‌اند؛ از آن میان پژوهش‌هایی که صرفاً پیرامتنیت را مبنای نظری کار خویش قرار داده باشند، بسیار کم‌تر صورت گرفته و اغلب این مبحث ذیل بررسی ترامتنی مطرح بوده است. در مقاله «ترامتنیت در مقامات حمیدی» (۱۳۹۲) فاطمه عرب یوسف آبادی و دیگران سهم اندکی از پژوهش خود را به بررسی پیرامتن مقامات حمیدی اختصاص داده، پیرامتن عنوان، عنوان‌های فرعی، مقدمه و خاتمه کتاب را مورد بررسی قرار داده‌اند، در پژوهش «اثرپذیری سعدی از فردوسی بر اساس نظریه ترامتنیت» (۱۳۹۳) زینب نوروزی و وحیدعلی بیگی سرهالی در مجال مفصلی به بررسی پیرامتن شاهنامه و آثار سعدی پرداخته‌اند. در این میان به نظر می‌آید که در این مقاله، مبحث پیرامتنیت با بینامتنیت خلط شده است و موارد مطرح‌شده ذیل پیرامتنیت همچون کلمات مشترک، شخصیت‌های مشترکی چون قباد و انوشیروان و رستم و سهراب و یا ذکر حکایت‌های شاهنامه در آثار سعدی مصداق هم‌حضور و بینامتنیت است، نه پیرامتنیت. داوود اسپرهم و زهرا چمنی